

رسالة شريفة

# دعائم الاسلام

تأليف

فريد دهره و حيد عصره قدوة المحققين و المدققين عماد الملة و الدين  
حجة الاسلام و المسلمين آية الله في العالمين السيد حسين العرب باغى  
اعلى الله مقامه

چاپ سوم

ناشر : کتابفروشى حقيرى - رضائيه

۱۳۳۸ شمسى

رضائيه چاپ سمين

رسالة شريفة

# دعائم الاسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي وفقني لترجمة احاديث دعائم الاسلام ، التي بين فيها مهمات الدين و الايمان و الاحكام ، و الصلوة على من بعث رحمة للعالمين و خصوصاً على الانام ، و على اله و اوصيائه الائمة الطاهرين عن جميع الاثام و اللعن الدائم على اعدائهم من الان الى يوم القيام .

و بعد چنين ميگويد احقر فاني حسين ابن نصر الله الموسوي الارومي عرب باغی که در چندین احاديث صحيحه در کتب معتبره مثل کتب اربعه ، و جوامع اربعه ، بيان دعائم اسلام شده و معنای دعائم ستونهای اسلام است ، و بدون آنها اسلام نمیشود ، و اسلام موقوف است بر اقامه آنستونها ، مثل يکخانه که بدون ستون برپا نخواهد شد پس بخاطر قاصر رسيد که دعائم اسلام را در اين رساله بزبان فارسی ترجمه نمايد ، تا اينکه برادران اسلامي آنها را بدانند ، و بر ستونهای اسلام قيام و اهتمام نمايند ، و مسلمانان در خصوص آنها کوتاهی و فرو گذاری نکنند ، و اسلام خودشان را بدون ستون نگذارند ، و مسلمانان واقعي را بشناسند ، و شخص حقيقي را از مسلمانان از غير واقعي امتياز بدهند .

و از جمله آن احاديث در کتاب مستطاب کافی بسند صحيح خود از عيسي بن السري ابي اليسع روايت نموده که او گفت عرض کردم بحضرت صادق (ع) که بمن خبر بدهيد از دعائم اسلام و از ستونهای آن که از برای مسلمانان در شناختن آنستونها تقصير و اهمال و سستی جايز نيست ، و چنان ستونهایي که هر کس قصور نمايد در معرفت

یکی از آنها دین او فاسد و ضایع میشود، و اعمال او قبول نمیشود، و هر کس آنها را بشناسد، و عمل نماید بآنها دین او سلامت میشود، و اعمال او قبول شود، و ضرر نرساند بر او ندانستن بعض امور دین، یعنی در جهالت و قصور در غیر از اینها با عذر معذور میشود، پس آنحضرت فرمود که:

دعائم اسلام عبارت است از شهادت بوحدانیت خداوند تعالی و اینکه بغیر از او خدائی نیست، و تصدیق بر اینکه حضرت محمد بن عبدالله وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ پیغمبر او است و اقرار بر حق بودن آنچه آنحضرت از جانب خداوند آورده است از احکام دین از نماز و روزه و غیر از اینها و تصدیق بوجوب زکوة در اموال و عمل بر آن و اقرار بر ولایت و ریاست کسیکه خداوند امر فرموده بریاست او در امور دین و بیان احکام اسلام و آن ریاست آل محمد (ص) است که مردمان باید احکام دین اسلام را از ایشان اخذ بکنند و سؤال نمایند، پس عیسی گفت که عرض کردم در ولایت و اولی بتصرف شدن کسی از آل محمد (ص) آیا یک امتیازی بوده تا اینکه مردمان آنکس را بشناسند و بفرمایشات او اطاعت نمایند و یانه؟ فرمود بلی البته آنکسیکه ریاست امور دین را دارد علامت دارد و ریاست او را خداوند در قرآن فرموده: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاطِيعُوا أَوْلِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ»**، یعنی ای آنکسانیکه ایمان آورده اید بفرمایشات خداوند و بفرموده های حضرت رسول (ص) و بر او امر و نواهی صاحبان امر امامت که از خود شما میباشند و از خارج نیستند اطاعت نمائید، و در این آیه اطاعت و ولایت و ریاست و امامت امام را خداوند تعیین فرموده، چنانکه اطاعت خودش و اطاعت رسول خود را واجب کرده و در این خصوص حضرت رسول الله (ص) فرموده هر کس بدون معرفت امام زمان خود مرده باشد پس مردن او مثل مردن مردمان اهل جاهلیت شده، پس ولایت و امامت امام را در این حدیث صحیح آن حضرت بیان کرده، و اول اولی بتصرف و صاحب امر بمردمان حضرت رسول الله (ص) بوده و بعد از او حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) بوده و دیگران گفته اند در زمان علی (ع) و یابعد از او معاویه بود و چنین نبود که معاویه اولی بتصرف بمردمان باشد و بلکه بعد از حضرت امیرالمؤمنین حضرت امام حسن (ع) و بعد از او حضرت امام حسین (ع) بود و دیگران گفته اند

که در زمان حضرت امام حسین (ع) یزید پسر معاویه و حضرت امام حسین (ع) امام بودند و حال آنکه معاویه با حضرت امیرالمؤمنین (ع) و یزید با حضرت امام حسین (ع) در علم و عمل و طهارت مساوی و برابر نبودند.

عیسی گفت آن حضرت بعد از بیان این فرمایشات ساکت شد و بعد از زمانی فرمود که آیا زیادتیر از این بگوییم؟ پس حکم اعور که در مجلس بود عرض کرد فدایت شوم بفرمائید، آنحضرت فرمود بعد از حضرت امام حسین (ع) حضرت امام زین العابدین (ع) امام بود؛ و بعد از او امام محمد باقر (ع) امام بود، و جماعت شیعه قبل از حضرت باقر (ع) در شدت تقیه بودند، و از ترس بنی مروان نمیتوانستند مسائل و احکام دین را از حضرت امام زین العابدین (ع) سؤال نمایند، و آداب حج و حلال و حرام را نمیتوانستند تا اینکه حضرت امام محمد باقر (ع) باب علم را برای شیعیان باز نمود و بیان فرمود برای ایشان آداب حج و حلال و حرام آنها را که در دین اسلام بودند تا اینکه سائر مردمان بجماعت شیعه در علم حلال و حرام محتاج شدند بعد از آنکه شیعیان سائر مردمان محتاج بودند و بر ظن و رای آنها عمل میکردند و بعد از حضرت باقر (ع) امام و اولی بتصرف بمردمان و بیان کننده احکام اسلامیان کسی خواهد شد که مثل حضرت امیرالمؤمنین (ع) و حضرت امام حسن (ع) و حضرت امام حسین (ع) و حضرت امام زین العابدین (ع) و حضرت امام محمد باقر (ع) باشد در علم و عمل و طهارت و زمین بدون امام نخواهد بود هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد پس آنکس مرده است مثل مردن زمان جاهلیت، و از اسلام بهره ندارد زیرا که یکی از ستونهای اسلام را ندانسته و بفرمایشات او عمل نکرده: و محتاج بودن توبه معرفت امام زمان خودت در آن وقت است که روح تو بر حلق تو برسد و از زندگانی دنیا مأیوس بشوی پس در آن وقت میگوئی که البته در اعتقاد خوب بودم و امام خودم را شناختم.

و ایضاً در کافی بسند صحیح خود از ابی الیسع روایت کرده که گفت عرض کردم بحضرت صادق (ع) خبر بدهید بمن از آنچه بنا شده بر آنها دعائم اسلام، و ستونهای آن آنچنان ستونهایی که زمانی که من بآنها اخذ بکنم و عمل نمایم اعمال

من درست و پاکیزه شود و ضرر نرساند از برای من جهالت آنچه جاهل باشم بر آن بعد از اخذ و عمل بآن ستونها، پس آنحضرت فرمود آن ستونها شهادت بر توحید خداوند و برسالت حضرت رسول الله (ص) است، و اقرار بر آنچه آنحضرت از نزد خداوند تعالی آورده است، از احکام دین و خصوصاً زکوة در اموال، و دیگری ولایت و امامت آل محمد (ص) چنانکه خداوند در قرآن در آیه «اولی الامر» و در آیه «انما ولیکم الله» امر بامامت ایشان فرموده و حضرت رسول (ص) نیز در این خصوص فرموده که هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد مرده است مردن جاهلیت، و در کفر و شرک، و خداوند در امامت ایشان فرموده «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» پس حضرت امیرالمؤمنین (ع) بعد از حضرت رسول (ص) امام و اولی الامر بود و بعد از حضرت امام حسن (ع) امام بود و بعد از او حضرت امام حسین علیه السلام امام بود و بعد از او حضرت «علی بن الحسین زین العابدین امام» بود و بعد از او حضرت باقر (ع) امام بود پس بعد از این امامت چنان خواهد شد که در زمان حضرت امیرالمؤمنین (ع) و بعد از او بوده یعنی امامت در کسی خواهد بود که عالم بجمیع احکام دین باشد و عمل و عصمت داشته باشد و البته زمین بدون امام نمیشود و اصلاح در آن نخواهد بود و بدون معرفت امام اگر کسی بمیرد مردن او مثل مردن جاهلیت میشود و محتاجترین یکی از شما بمعرفت امام زمان خودش آنوقت است که روح او بحلق برسد. و هر گاه امام را بشناسد در آن زمان میگوید البته من در کار و عمل و اعتقاد خوب بودم در دنیا و در این اعتقاد نفع کرده‌ام و ضرر بمن نشده.

و ایضاً در کافی بسند صحیح خود از عذری روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود ستونهای اسلام و قوام و دوام آنسه چیز است نماز و زکوة و امامت حضرات ائمه از آل محمد (ص) و صحیح و درست نمیشود یکی از اینها مگر بآن دوتای دیگر مترجم میگوید که اکتفاء بر ایمی سه چیز در این حدیث از جهت اینست که اینها عمده دعائم اسلامست زیرا که اینها از اعمال است و شهادت بر توحید و رسالت و اقرار بآنچه آنحضرت از جانب خداوند آورده راجع بر اعتقاد است و اعتقاد آسانتر از عمل کردن بر احکام اسلام است و امامت عبارت است از عمل کردن بفرمایش امام (ع).

و مرحوم صدوق در کتاب مجالس بسند صحیح خود از مفضل روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود بنا شده اسلام بر پنج دعائم و ستون بر نماز و زکوة و روزه شهر رمضان و حج و ولایت حضرت امیر المؤمنین (ع) و امامت حضرات ائمه (ع) از اولاد او .

و مرحوم حسن بن محمد طوسی در کتاب امالی بسند صحیح خود و مرحوم طبرسی در بشارت المصطفی بسند خود از ابی حمزه ثمالی روایت کرده اند که حضرت باقر (ع) فرمود بنا شده اسلام بر پنج دعائم اقامه کردن نماز و دادن زکوة و روزه ماه رمضان و حج بیت الله الحرام و ولایت و امامت ما اهل بیت حضرت رسول الله (ص) و مرحوم سید مرتضی بسند صحیح از تفسیر نعمانی روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین (ع) فرمود که آنچه خداوند در کتاب خود فرض فرموده از واجبات پنج تکلیف از آن واجبات دعائم و ستونهای اسلامست و بنای اسلام بر آنها گذاشته شده پس خداوند تعالی قرار داده از برای هر یکی از این پنج ستون چهار حد و از برای کسی جایز نیست جاهل بودن بر آن پنج ستون و اول آنها نماز است و بعد از آن زکوة و بعد از آن روزه ماه رمضان و بعد از آن حج و بعد از آن ولایت و امامت اهل بیت حضرت رسول (ص) است و امامت ایشان تمام کننده همان چهار ستون اسلام است و حفظ کننده جمیع واجبات خداوند و شریعت و طریقت حضرت رسول الله (ص) است تا آخر حدیث ، و این احادیث را در وسائل نیز نقل فرموده .

و در کتاب مستدرک الوسائل بسند صحیح خود از کتاب امالی مرحوم مفید از ابی حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت باقر (ع) فرمود بنا شده اسلام بر پنج دعائم و ستون بر پا نمودن نماز و دادن زکوة و روزه ماه رمضان و حج بیت الله و ولایت و امامت ما اهل بیت پیغمبر (ص) .

و در کافی بسند صحیح از زراره روایت کرده که حضرت باقر (ع) فرمود بنا نهاده شده اسلام بر پنج چیز بر نماز و زکوة و حج و روزه ماه مبارک رمضان و امامت اهل بیت پیغمبر (ص) زراره گفت عرض کردم کدام یکی از اینها افضل است؟ آنحضرت

فرمود امامت افضل آنهاست زیرا که امام کلید آنهاست و امام دلالت کننده بر آن واجبات است و آداب و شرایط آنها را امام بیان میفرماید، عرض کردم بعد از امامت کدام یکی از آنها افضل است؟ فرمود نماز و بدرستی که حضرت رسول الله (ص) فرموده که نماز عمود و ستون دین و اسلام شماست عرض کردم بعد از نماز کدام یکی از آنها افضل است؟ فرمود زکوة زیرا که خداوند در آیات قرآن زکوة را با نماز در یکجا ذکر فرموده و ابتدا بنماز نموده و بعد از آن امر بزکوة فرموده است و حضرت رسول الله (ص) نیز فرموده که دادن زکوة باعث آمرزیده شدن گناهان میشود عرض کردم بعد از زکوة افضل اینها کدام است؟ فرمود حج و خداوند در خصوص حج در سورة آل عمران فرموده که حکم خداوند است بمردمان حج نمودن بیت الله از برای آنکسانیکه قدرت رفتن دارند بسوی آن و هر که کافر شود و حج را ترك نماید پس بدرستی که خداوند بدون احتیاج است از جمیع مردمان و مخلوقات و ایضاً حضرت رسول (ص) فرموده که يك حج مقبول خوبتر است از بیست نماز نافله و فرموده هر که طواف بکند باین بیت الله و بشمارد هفت دور گردیدن خود را و نیکو بجا بیاورد دور کعت نماز طواف را گناهان او بخشیده میشود.

و ایضاً آنحضرت در یوم عرفه و در روز مشعر در حجة الوداع در فضیلت حج چها فرموده که می دانید، عرض نمودم بعد از حج و فضیلت آن چیست که تابع حج باشد در فضیلت؟ فرمود روزه ماه رمضان بعد از فضیلت حج است گفتم چیست حال روزه که آخر آنها شد در فضیلت؟ فرمود که حضرت رسول (ص) فرموده روزه سپر است از آتش دوزخ، زراره گفت بعد از این آنحضرت فرمود بدرستی که فاضلترین چیزها از اعمال و عبادات آنستکه چون از توفوت شود نباشد از آن باز گشتی غیر اینکه بر گردی بسوی آن پس بجا آوری آنرا نه عوض آنرا و بدرستی که نماز و زکوة و حج و امامت نفع نمیرساند در عوض آنها چیزی هر گاه فوت شود از کسی و اماروزه پس چونکه فوت شود از تو از جهت مرض و یا تقصیر بکنی در شروط و آداب آن که باعث بطلان گردد و یا سفر نمائی در ماه رمضان بجا آوری عوض آنرا در ایام دیگر و در بعض اقسام روزه که قدرت روزه نداری فدیة می دهی و از برای توقضا نیست، و اما

آن چهار واجب که نماز و زکوة و حج و امامت باشد «پس از برای آنها عوض نمی شود بعد از رفع شدن عذر تا اینکه خود آنها را بجا بیاوری ز راره گفت حضرت فرمود بالای کار اسلام و بلند تر جاهای آن و کلید اسلام و درهای اعمال و افعال که در اسلام مقصود است و رضای خداوند رحمن اطاعت و فرمان برداری امام است بعد از اعتراف بامامت او و بدرستیکه خداوند در سوره نساء فرموده هر که اطاعت بکند بر رسول الله (ص) در تعیین امامت پس آنکس اطاعت نموده خداوند را و هر که رو گردان شود پس نفرستادیم ترا برای آنها پاسبان ضامن تا غم ضلالت آنها را بخوری یعنی خودم از آنها انتقام میکشم ای ز راره آگاه باش هر گاه شخصی در تمام شبها در نماز باشد و در جمیع روزها روزه شود و تمامی مال خود را صدقه بدهد و در مدت عمر خود هر سال حج نماید و با وجود اینها آنکس نشناسد امام را از اهل بیت پیغمبر (ص) که از جانب خداوند تعیین شده و اعمال او با دستور العمل آن امام نباشد، پس در این صورت از برای آنکس حقی نمیشود در ثواب خداوند و از اهل ایمان نیز نخواهد شد و بعد از این آنحضرت فرمود اقرار کنندگان بامامت اهل بیت (ع) نیکوکاران ایشانرا خداوند داخل بهشت میکند با فضل و با زیادتی رحمت خودش، یعنی علاوه بر جزای اعمال خوب ایشان فضل و رحمت خداوند شامل حال ایشان میشود.

مترجم میگوید در این حدیث صحیح افضل اعمال را اطاعت امام قرار داده و اقرار بر ولایت و امامت او را فرموده و این معنای دو حدیث صحیح دیگر است که در کافی بسند خود از فضل و ابی حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت باقر (ع) فرمود بنای اسلام بر پنج چیز است بر نماز و زکوة و حج و ولایت اهل بیت پیغمبر (ص) و مردمان تکلیف کرده نشده اند بچیزی مثل تکلیف شدن ایشان برای امامت در روز غدیر خم و در حدیث سیم از فضل است که مردمان از این تکالیف پنجگانه بر چهار تکلیف اقرار کردند و امامت را ترك نمودند.

و ایضاً در کافی از اسمعیل جعفی بسند صحیح خود روایت کرده که شخصی بخدمت حضرت باقر (ع) شرفیاب شد و با او مکتوبی بود حضرت با او فرمود این مکتوب از یکنفر است که با ما میخواهد بحث بکند و از آن دین سؤال بکند که خداوند اعمال



را از صاحب آن دین قبول میفرماید نه غیر از او؛ آنمرد گفت بلی سئوال من از دین است؛ حضرت فرمود آن دین عبارتست از شهادة بر وحدانیت خداوند؛ و اینکه او شریک ندارد؛ و اینکه حضرت رسول الله (ص) بنده و فرستاده اوست؛ و اقرار بکنی بر اینکه آنچه آنحضرت از جانب خداوند آورده حق است؛ و اینکه امامت حق ما اهل بیت (ع) است و اعتقاد بکنی بر برائت از دشمنان ما؛ و تسلیم بودن بر او امر ما در اعمال و عبادات، و بر پرهیزکاری از حرامها؛ و بر تواضع نمودن برای اهل حق؛ و منتظر شدن بر ظهور قائم ما اهل بیت؛ پس بدرستیکه از برای ما امامان یکسلطنت بزرگ خواهد شد بعد از ظهور قائم ما و در هر وقتیکه خداوند خواسته باشد قائم ما را ظاهر میفرماید.

و ایضا در کافی بسند صحیح خود از ابی جارد روایت کرده که او بحضرت باقر (ع) گفت خبر بدهید بمن از آن دینیکه بآن دین بخداوند متدین میشوید، آن حضرت فرمود قسم بخداوند البته خبر میدهم بتو دین خودم را و دین پدرانم را که به آن دین متدین میشویم، و آن دین شهادت بوحدانیت خداوند و برسالت حضرت رسول الله (ص) و اقرار است بر آنچه آنحضرت از جانب خداوند آورده، و دوستی است برای دوست ما و ییزار شدن است از دشمن ما؛ و تسلیم شدن در باطن برای امرهای ما، و منتظر شدن بر ظهور قائم ما، وجد و جهد است در عبادات، و پرهیزکاری است از حرامهای خداوند تعالی:

و ایضاً در کافی بسند صحیح خود از جابر از حضرت باقر (ع) روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین (ع) سئوال کرده شد از ایمان که ایمان چیست؟ پس فرمود بدرستیکه خداوند قرارداد ایمان را بر چهارستون اول آنها صبر و دوم یقین و سوم عدالت و چهارم جهاد پس صبر از جمله آن چهار ستون بر چهار حصه است اول شوق بر جنت و دوم ترس از دوزخ سوم بدون رغبت شدن از دنیا و چهارم منتظر شدن بر مرگ بیان این آنست که هر که مشتاق جنت شود روگردان شود از خواهشهای نفس خود، و از شهوات پرهیز میکند، و هر که ترسید از دوزخ اعراض نمود از حرامها و هر که بدون رغبت شد از دنیا سهلشد برای او مصائب آن؛ و هر که منتظر مرگ شد

شتاب نمود بر عبادات با صبر کردن بزحمت آنها؛ و یقین کردن بوعده و وعید خداوند بر چهار حصه است اول بینا کردن زیر کی و کار فرمودن فهم و دانائی خود در عبادات و احکام دین و دوم فکر کردن در مواعظ خداوند که در نقل احوال امم انبیای سابق فرموده و سوم شناختن اینکه عذاب و نجات مردمان سابق طریقه خداوند است که در مردمان زمان آینده نیز مثل آن خواهد شد ☆ بیان این آنست که هر که بینا کرد فهم و زیر کی خود را پس شناخت موعظه خداوند را؛ و هر که فکر نمود در موعظه خداوند پس شناخت عذاب و راحت مردمان گذشته را؛ و هر که شناخت آنرا پس شناخت طریقه خداوند را؛ و هر که شناخت عادت خداوند را در عذاب و نجات گذشته گان پس گویا که خودش با آنها بوده باین معنی که دانست که فرقی در میان گذشته گان و آیندگان نیست و هر که اینها را دانست پس او راه یافت بملتی و طریقه که آن درست تر و راست تر است که ملت اسلام باشد و گویا نظر کرده بسوی آنکه نجات یافت که بچه نجات یافت مثل قوم یونس (ع) و نظر نموده بسوی آنکه از اهل دوزخ شده که بسبب چه دوزخی شده و بدرستی که دوزخیان رفتند بدوزخ از برای معصیت کردن ایشان و اهل جنت بجهت شتابند از جهت اطاعت ایشان و عدالت نیز بر چهار حصه است اول فهم بادقت دوم علم بسیار سوم حکم کردن درست در میان مردمان چهارم حلم با وسعت در کارها بیان آن اینکه هر که فهم درست داشته باشد تفسیر میکند جمیع راههای علمرا و هر که این علمرا داشته باشد میداند راههای حکم کردنرا؛ و هر که با حلم شود در حکم کردن خودش پس افراط و تفریط نمیکند در کار خود؛ و در میان مردمان پسندیده زندگی میکنند، پس عدالت در کارها و حکمتها و میانه روی در امورات دنیا و آخرت موقوف بر این او صاف است و جهاد وجد و جهد در راه خداوند بر چهار حصه است اول امر بکارهای نیکو و اعمال و افعال خوب در شرع انور دوم نهی کردن از منکرات و محرمات دین اسلام سوم راستگوی بودن در جمیع مواضع گفتگو کردن و حکم نمودن چهارم دشمنی کردن با فاسقان و سرکشان از حکم خداوند به معنی امر کردن اشرار و فجار بر افعال ابرار و نهی آنها از اعمال قبیحه و افعال شنیعه پس هر که امر بمعروف بکند

محکم میکند پشت مؤمنین را و هر که نهی از منکر نماید بخاک مالیده میکند دماغ منافقین را و مردمان را از ضلالت آنها خاطر جمع مینماید و دروغ بودن دلیلهای آنها را واضح میکند باینکه بیان می کند که آن دلیلهای در نهایت افاده ظن میکنند و آیات بسیار منع کرده از تابع شدن بر ظن و وجوب تابع شدن بر علم را دلالت کرده و هر که در جمیع مواضع درست و راستگو باشد بجا میآورد آنچه را که تکلیف او بوده باین معنی که شخص راستگو از روی ظن حکم نمیکند زیرا که اغلب ظنهادروغ میشود و هر که دشمنی نماید با فاسقان در اعمال آنها آنکس غضب میکند از برای خداوند، و خداوند نیز از برای او غضب میکند و اینها که ذکر شده خودایمان بود و ستونهای ایمان و حصنهای ایمان بود.

مترجم میگوید در احادیث سابقه ستونهای اسلام را بیان فرمودند که اقرار قلبی و عمل فعلی بود و در این حدیث ستونهای ایمان را بیان فرموده که همه اش افعال و اعمال است.

و در خصوص ایمان در کافی بسند صحیح از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده که فرموده ارکان ایمان چهار است: اول توکل اعتماد نمودن بخداوند در دفع ضرر و جلب نفع دوم تفویض و واگذار کردن امر امامت و خلافت باختیار خداوند که هر کسی را امام و خلیفه تعیین فرماید آنکس امام و خلیفه رسول الله (ص) بوده باشد نه غیر از او سوم راضی بودن بر قضا و قدر خداوند در نفع و ضرر در دنیا چهارم تسلیم و قبول کردن امر خداوند در تعیین امامت و خلافت در کسی.

مترجم میگوید این حدیث در ارکان ایمان است و حدیث سابق در دعائم و ستونهای ایمان بوده و منافات در بین اینها نیست زیرا که ستون غیر ارکان است و ستون راجع است بر عمل و ارکان راجع بر اعتقاد است.

و ایضاً در کافی بسند صحیح از حضرت صادق (ع) روایت کرده که فرموده سزاوار است برای مؤمن اینکه در او هشت خصلت باشد اول باوقار و باتمکین باشد در وقت واقع شدن امورات اضطراب کننده دوم صبر کننده باشد در زمان وقوع بلاها سوم شکر کننده باشد در وقت راحت چهارم قناعت کننده باشد بر آنچه خداوند برای او

از حلال رساند و از حرام اجتناب نماید پنجم ظلم نکند بدشمنان چه جای دیگران ششم ساختگی نکند در گفتگو برای دوستان تا چه برسد بر دیگران هفتم بدن او در آزار باشد در عبادات و مدد مؤمن شود در حاجت او هشتم مؤمنان و مردمان از او در راحت باشند و بدرستی که علم دین از آیات و احادیث دوست باطنی مؤمن است و حلم و بردباری و زیر و مدد کار او است و عقل و خردمندی سردار لشکرهای او صاف پسندیده او است و همواری با مردمان برادر او است و نیکو کاری بمردمان پدر او است .

وایضاً در کافی بسند صحیح خود از حضرت رسول الله (ص) روایت کرده که فرمود دین اسلام بمنزله یکنفر شخص عریان است پس لباس او حیا است و زینت او وفاء بحقوق خداوند و حق مخلوقات است و مروت او اعمال صالحه است و عماد و محل اعتماد او پرهیز کاری از حرامها است و از برای هر چیز اساس است و اساس اسلام دوستی ما اهل بیت است .

وایضاً از آنحضرت (ص) در حدیث مفصل روایت کرده که فرمود آگاه باشید پس بدرستی که هر گاه شخصی بقدر عمر دنیا بخداوند عبادت نماید از امت من و با وجود این در قیامت و یا در وقت مردن او ملاقات بکند بخداوند در حالتی که اهل بیت از اولاد مرا دشمن بگیرد و با شیعیان ایشان دشمنی بکند خداوند سینه او را باز نمیکند مگر بانفاق و از جمله منافقین میشود که جای آنها اسفل درك دوزخ است . مترجم میگوید آنچه در این رساله ذکر شد از احادیث صحیحه از کتب معتبره در خصوص دعائم و ستونهای اسلام و ایمان و ارکان و اساس آنها از برای شخص مسلم و مؤمن کافی است و جمیع این احادیث در کتاب وافى و وسائل الشیعه نیز نقل شده .

و تمام شد این رساله در ساعت سیم از روز سیم از ماه سیم از سال نهم

از دهه پنجم از صد چهارم از هزار دوم از هجرت نبوی

صلی الله علیه و آله الحمد لله کما هو اهله